

طرح امت واحده اسلامی را از دیپلماسی نخبگانی به سطح دیپلماسی عمومی و مردمی برسانیم/ رقابتی که موجب تقویت کشورهای اسلامی شود، ممدوح است



دبیرکل مجمع تقریب اطهار داشت: سومین اجلاس منطقه ای وحدت، زمان اقدام و برنامه عملیاتی برای دستیابی به طرح مفهومی امت واحده اسلامی است تا دیپلماسی نخبگانی را به سطح دیپلماسی مردمی و عمومی برسانیم و عموم مردم مطالبه کننده وحدت باشد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، متن کامل سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین دکتر حمید شهریاری دبیرکل مجمع تقریب به شرح ذیل می باشد:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علیه و آله الطاهیرین و صحبه المنتجبین

عرض ادب و سلام دارم خدمت حضار محترم و عزیزانی که از شش کشور همسایه و نزدیک روسیه، ترکیه، عراق و اقلیم کردستان، گرجستان، سوریه و آذربایجان قدم رنجه فرمودند و در این اجلاس شرکت کردند.

تشکر ویژه دارم از جناب آقای محمد صادق معتمدیان استاندار محترم و همین طور حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سید مهدی قریشی نماینده محترم ولی فقیه در استان آذربایجان غربی و امام جمعه ارومیه.

همچنین میهمان‌هایی که از استان‌های هم‌جوار زحمت کشیدند و خودشان را به این اجلاس رساندند و همچنین مسئولان کشوری و لشکری که از مرکز تشریف آوردند و با پوزش از اینکه به دلیل فرصت کم از بردن نام عزیزان محذور دارم.

سومین اجلاس منطقه‌ای وحدت اسلامی در حالی برگزار می‌شود که ما دو کنفرانس پیشین را گذرانده‌ایم.

یک ایده و آرمان پشت این کنفرانس‌ها هست و آن اینکه ما بتوانیم مهمانان بیشتری را از یک استان در خدمتشان باشیم. کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی اشکالی اساسی داشت و آن اشکال این بود که نمی‌توانستیم بیش از ۳۰ تا ۵۰ نفر از استان‌ها را در تهران پذیرا باشیم در حالی که الان در این کنفرانس فقط ۷۰۰ نفر از استان آذربایجان حضور دارند و این ابتکاری بود که برای رفع نقیصه کنفرانس وحدت اسلامی طراحی شد.

ما در دو کنفرانس پیشین طرح مفهومی امت واحد و همین طور تاسیس اتحادیه کشورهای اسلامی را در ۵ لایه طرح کردیم و در دو کنفرانس پیشین مدل مفهومی را به این صورتی که ملاحظه می‌فرمایید عرضه کردیم.

من در عرض دو دقیقه این بحث مفهومی را عرض می‌کنم تا برسیم به موضوع کنفرانس جاری که در ادامه این بحث است.

ما عرض کردیم که اگر بخواهیم به امت واحد دسترسی پیدا کنیم حداقل ۴ گام یا چهار طبقه از پایین به بالا باید طی بشود:

اول اینکه تفرقه در جهان اسلام وجود نداشته باشد. تفرقه را هم توضیح دادیم: پرهیز از جنگ، پرهیز از ترور، تکفیر، تنازع، مشاجره و توهین. در لایه دوم همکاری جهان اسلام هست که کشورهای اسلامی دست به دست هم می‌دهند و با هم همکاری می‌کنند. بعد از اینکه تفرقه ایجاد نشود و اختلافی نباشد در لایه دوم همکاری شکل می‌گیرد که متخذ از آیه شریفه **مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ**

أَشَدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيِّنَاتِهِمْ^۱ است که خود بر دو محور رحماء بینهم و اشداء علی الکفار شکل گرفته که این دو اصل، دو اصل اساسی برای گام دوم است.

در گام سوم هم افزایی کشورهای اسلامی مد نظر قرار می‌گیرد یعنی اگر هر کشور اسلامی دارای قدرت سیاسی و یا دانش باشد یا دارای امنیت باشد یا دارای ثروت باشد یا امکان خدمت رسانی و مشارکت در جهان اسلام داشته باشد این‌ها را به اشتراک می‌گذارد و در دسترس کشورهای دیگر اسلامی قرار می‌دهد یا با آنها همکاری و هم افزایی می‌کند تا ثروتمان، قدرتمان، دانشمان، امنیت و خدماتمان افزایش پیدا کند.

این سه گام اگر پیش برود، اگر این محورهای کلیدی دسترس پذیر باشد، ما به یک اتحادیه نزدیک شده‌ایم. می‌توانیم به جرات بگوییم که اتحادیه‌ای مشابه اتحادیه اروپا می‌تواند در جهان اسلام شکل بگیرد. اما این اتحادیه برای ما کافی نیست چون این اتحادیه اتحادیه‌ای اسلامی است و باید خصوصیات اسلامی را دارا باشد. لذا گام چهارم خودسازی ملل اسلامی یا اسلامی شدن است. اسلامی شدن را نیز به محورهای تقسیم کردیم. یکی تعهد به شریعت هر مذهبی به مذهب خودش است. دیگر اخلاق اسلامی که مجموعه‌ای از فضائل و دوری از رذائل را شامل می‌شود، دیگری اخوت اسلامی به عنوان یک محور کلیدی قرآنی است، همچنین اصلاح فساد در درون جامعه و دولت و ساختارهای سازمانی، و عدالت اجتماعی برای رفع فقر و رفع تبعیض بین مسلمانان و بسیج مقاومتی برای اینکه بتوانیم در مقابل دشمن خونخوار بایستیم و مقاومت کنیم. اینها اجزای نظری اسلامی شدن اتحادیه است.

این چهار مرحله اگر طی بشود، زمینه برای دستیابی به اتحادیه کشورهای اسلامی فراهم می‌شود. ایده‌ای که حضرت امام خمینی(ره) در ابتدای انقلاب اسلامی ایران مطرح کردند و بر مبنای آن جناب آقای اربکان در ترکیه گروه D8 را از ۸ کشور تشکیل دادند و این گروه با هم ملاقات داشتند و تصمیم گرفتند که اتحادیه کشورهای اسلامی را تاسیس کنند و یک جلسه هم برگزار شد اما به دلیل مشکلاتی که دشمنان اسلام برای آقای اربکان پیش آوردند، آن ایده که از حضرت امام(ره) ناشی می‌شد و سرچشمه گرفته بود، متوقف شد. تعریف اتحادیه کشورهای اسلامی در لایه پنجم، شامل بیان اهداف، ارزش‌ها، سیاست‌ها و ساختار اتحادیه است.

در بسته هایی که به شما دادند، کتابچه ای وجود دارد که در صفحه آخر آن برای هر کدام از بندها یک صفحه یا نیم صفحه توضیح داده شده است. به شکل کوچکش نگاه نکنید، محتوای عمیقی دارد. هشت ماه فرصت لازم بود تا این کتابچه تالیف بشود. این مجموعه خلاصه‌ای بود از دو کنفرانس پیشین که ما محورهایش

را تعیین کردیم این کتابچه به بیش از ۱۰ زبان ترجمه شده و به بزرگان جهان اسلام ارسال شده است و خواستیم که نظرات خودشان را به ما عرضه کنند. من از بزرگان و فرهیختگانی که در این مجموعه هستند هم خواهش می‌کنم دست به قلم بشوند و نکات اصلاحی خودشان را به ما ارسال کنند.

در سومین اجلاس منطقه‌ای وحدت اسلامی که در آذربایجان غربی برگزار می‌شود در خدمت عزیزان هستیم. عنوان و موضوع اصلی کنفرانس «همکاری‌های اسلامی برای دستیابی به ارزش‌های مشترک» است.

بعد از اینکه این مدل مفهومی که عرض کردم، از نظر نظری، نظریه‌ی امت واحده و اتحادیه کشورهای اسلامی را ترسیم کرد، الان وقت اقدام و برنامه‌ی عملیاتی برای دستیابی به این مفهوم است. چگونه می‌توانیم این مفاهیم را دسترس پذیر کرده و در صحنه عمل به آن برسیم؟ خوب طبیعتاً ما کنفرانس‌های متعددی داریم و معمولاً هم نخبگان مخاطب ما هستند اما وقتی که از اقدام سخن می‌گوییم یعنی می‌خواهیم که این دیپلماسی نخبگانی و علمایی را به سطح دیپلماسی عمومی و مردمی بکشانیم. یعنی آنچه که من و شما فکر و اندیشه می‌کنیم اینجا پشت تریبون با هم صحبت می‌کنیم و همه هم حرف همدیگر را قبول داریم و معمولاً هم در این جلسات مخالفی پیدا نمی‌شود و مخالف‌ها معمولاً جاهای دیگری جلسه می‌گذارند. چگونه می‌توانیم نظریه خودمان را چنان دسترس پذیر کنیم که به سطح دیپلماسی عمومی برسد و عموم مردم وحدت را مطالبه کنند نه تنها از دشمنان فریب نخورند بلکه مطالبه کننده وحدت هم باشند. چگونه می‌توانیم این کار را بکنیم؟ اگر چنین اتفاقی بیفتد آنگاه می‌توانیم امیدوار باشیم که دولت‌هایی که توسط مردمشان یا انتخاب می‌شوند و یا تحت مطالبات مردمی رویه‌های خودشان را تغییر می‌دهند دست از تعارض، نزاع و اختلاف بردارند و این گونه که از ابتدای امسال طلعه‌اش بروز پیدا کرده است، رویه جنگ و ترور و تکفیر را تبدیل کنند به رویه همکاری و هم افزایی و لااقل با همدیگر دشمنی نداشته باشند.

وقتی راجع به اقدام بحث می‌کنیم دیگر بحث نظری نداریم. بحث نظریمان را گفتیم و نوشتیم الان درباره عمل و سطح میدان سخن می‌گوییم یعنی در روی زمین چه اتفاقاتی در حال وقوع است که مانع وحدت اسلامی است چه اتفاقاتی می‌افتد که نمی‌گذارد ما اتحادیه کشورهای اسلامی را تأسیس کنیم. می‌خواهیم در این راستا به دو نکته اساسی اشاره کنم: اول اینکه ما نقایص و کاستی‌هایی درون جامعه‌های اسلامی خودمان داریم و دشمن بر روی این نقائص دست می‌گذارد و از این نقائص بهره برداری می‌کند و پروژه ایجاد تفرقه و جداسازی خودش را و تضعیف اتحادیه کشورهای اسلامی را دنبال می‌کند. خوب این نقیصه چیست که ما در درون خودمان داریم؟ این نقیصه گرایش افراطی است این افراطی‌گری با ابزارهای تکفیر شیعه و سنی دنبال می‌شود یعنی شیعیانی هستند که اهل سنت را تکفیر می‌کنند و اهل سنتی

افراطی هستند که شیعه را تکفیر می‌کنند فقط هم بین این دو مذهب نیست بلکه افراطی‌گری سنی سنی هم داریم یعنی اهل سنت با اهل سنت. می‌روید در پاکستان می‌بینید که بریلوی‌ها دیوبندی‌ها را تکفیر می‌کنند و دیوبندی‌ها بریلوی‌ها را تکفیر می‌کنند و هر دو هم اهل سنت هستند این افراطی‌گری اختصاص به یک مذهب ندارد در تمامی مذاهب وجود دارد. این چیزی است که مقام معظم رهبری فرمودند که ما باید جلوگیری کنیم از شیعه انگلیسی و اهل سنت آمریکایی. نمونه اینها افراطی‌هایی هستند که توانستند تفکر خودشان را در قالب داعش به دیپلماسی عمومی تبدیل کنند و از بدنه اجتماعی یارگیری کنند. این یکی از نقایصی بود که ما در درون جوامع اسلامی داشتیم و ما نخبگان که اینجا دور هم نشسته‌ایم نتوانستیم از این اتفاق پیشگیری کنیم و لذا دیدید که داعش از کشورهای اروپایی و اسلامی یارگیری کرد و توانست صدمه بزرگی به بدنه جهان اسلام برساند هر چند که الحمدا به یمن و برکت خون شهیدان و سرداری سرداران شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی مهندس و دیگر یاران این دو بزرگوار ما موفق شدیم این پروژه داعش را به شکست نزدیک و مضحل کنیم.

پس این یک مشکل است و حتماً مشکل در سطح علمایی تولید می‌شود. افراطی‌گری در بدنه اجتماعی و دیپلماسی عمومی تولید نمی‌شود بلکه در بدنه علمایی تولید می‌شود. ما در این کنفرانس‌ها قصد داریم که با توضیح و تبیین مبانی که در اینجا ملاحظه می‌کنید تلاش کنیم که بطلان این نظریه را ثابت کرده و بگوییم که هم در کتب اربعه شیعه و هم در صحاح سته اهل سنت ایمان به خدا و تعهد به پیامبر اکرم (ص) و سنت ایشان و محبت اهل بیت علیهم السلام برای اسلام کافی است.

ما در اسلام سه چیز قطعی داریم که هیچ کسی انکار نمی‌کند یک ایمان به خدا دوم ایمان به نبوت پیامبر اعظم (ص) و قرآنی که برای ما از آسمان آورده و سوم محبت اهل بیت (ع). این سه محور اصلی باشد و همان دو تای اولی هم برای ما کفایت می‌کند برای اینکه ما یک مسلمان را مسلمان بدانیم به روایات صحیح در کتب اربعه شیعه و صحاح سته اهل سنت ایمان به خدا و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله کافیست. البته حتماً در فضای دیگری ان شاء الله مستنداتش باید عرضه شود. خلاصه افراطی‌گری یک مشکل است.

مشکل دومی که ما در کف میدان داریم تعارض کشور با کشور است. یک نوع رقابتی بین کشورهای اسلامی وجود دارد برای اینکه داعیه دار راهبری جهان اسلام باشند. ما این را در ایران، ترکیه، عربستان سعودی و مصر می‌بینیم و حتی من در سوریه این را ملاحظه کردم که داعیه دار راهبری جهان اسلام هستند. این یک رقابت در کف میدان و واقعیت است. حالا ما اگر کمی عمیق‌تر بشویم می‌بینید که اندونزی قرار است تا چند سال دیگر اقتصاد پنجم دنیا بشود و این رقابت افزایش پیدا می‌کند و

رقیب‌ها که داعیه‌دار راهبری جهان اسلام هستند متکثر می‌شوند و می‌گویند ما یک اسلام نرم و غیر خشن داریم معرفی می‌کنیم و اقتصادمان هم خوب شده و به مردم هم رسیدگی کردیم فقر را برطرف کردیم و به آحاد ملت خود خدمت‌رسانی کردیم. ما باید به این مشکل فائق بیاییم چون هدایت و راهبری کشورها توسط دولت‌ها شکل می‌گیرد. تعارض دولت با دولت در جهان اسلام در صحنه‌های مختلف خودش را نشان می‌دهد. یکی در صحنه‌های بین المللی مثل مجامع بین المللی و سازمان ملل و زیرمجموعه‌هایش هست. وقتی اینها کنار همدیگر می‌نشینند با هم دیگر مشاجره می‌کنند و مشکل دارند این می‌خواهد آن رأی نیاورد و آن می‌خواهد این رأی نیاورد و این می‌خواهد رئیس این مجمع باشد و هر کشوری دنبال کار خودش هست خوب ما این رقابت را چگونه باید حل کنیم؟ نظام جمهوری اسلامی ایران به خصوص دولت محترم حضرت آیت الله رئیسی به این سمت رفته که ما حسن روابط سیاسی خودمان را با همسایه‌ها در درجه اول و با رقبای جهان اسلام مثل ترکیه، عربستان و مصر دنبال کنیم که این تهدیدها کاهش پیدا کرده و تبدیل به همکاری بشود. این فرصت که برای جهان اسلام پیش آمده بسیار مغتنم است و ما که در صحنه بین المللی حضور داریم این را می‌فهمیم.

هر کسی را در جهان اسلام ملاقات یا مذاکره کرده‌ام از ابتدای امسال تا الان از اینکه روابط ایران با بعضی کشورها در حال بهبود است ابراز خشنودی می‌کردند.

متأسفانه نکته دیگری هم وجود دارد و آن اینکه اگر بخواهیم سطح نخبگانی را به سطح دیپلماسی عمومی برسانیم یک مانع کوچک وجود دارد و آن ملی‌گرایی است. مردم نوعاً وطن‌دوست هستند به ملیت خودشان متعهد هستند. این مشکل را چگونه باید حل کرد؟ اسلام چه می‌گوید؟ اسلام با ملیت مخالفتی ندارد با علاقه به وطن مخالفتی ندارد بلکه متعهد به وطن هم هست حتی وطن را معیاری می‌داند برای اینکه اگر کسی از وطنش اخراج شد مجوز قتال به او می‌دهد یعنی اگر کسی آمد شمارا از وطنتان بیرون کرد شما مجازید که با او قتال کنید و در آیه شریفه می‌فرماید **وَمَا لَنَا أَلَّا نُقاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا** چرا ما جنگ نکنیم با کسانی که ما را از دیار خودمان و بچه‌های خودمان جدا کرده اند. این اتفاقی است که امروز در اسرائیل در حال وقوع است. ما با اسرائیل جنگ داریم اما ما جنگ طلب و جنگ سالار نیستیم. این جنگ به خاطر این است که آنها مسلمانان را از وطنشان اخراج کردند نه یک بار و نه دوبار، چندین بار یک خانواده را و طی دهه‌ها، مدام از خانه‌هایشان اخراج کردند و به خانه دیگری منتقل کردند. امروز شما در اردوگاه جنین این چنین مسائلی را ملاحظه می‌کنید. بعضی از خانواده‌ها 3 بار از خانه‌هایشان بیرون شدند، شما فکر کنید دشمن بیاید در درون خاکتان و شما را از منزلتان اخراج کند و بفرستد در یک گوشه‌ای از بیابان، مجدد بروید و آن بیابان را بسازید و سرپناه درست کنید و مجدد شما را از آنجا بیرون

کنند و این اتفاق نزدیک به هفتاد سال برای برخی خانواده‌ها طی دو سه نسل افتاده است. مجوز قتال در این شرائط با این آیه شریفه داده شده است.

پس ملیت و وطن بد نیست اسلام اجازه داده به خاطر وطن بایستیم و قتال کنیم. اما ملی‌گرایی به این معنا که ما ارزش‌های مهمتر را فدای وطن کنیم و دست به وطن‌گرایی و ملی‌گرایی بزنیم اسلام با آن مخالف است. اسلام با این مفهوم که شما اینقدر متعهد به کشورت باشی که حاضر باشی به کشورهای دیگر ظلم کنی مخالف است زیرا در این حال عدالت محور ارزش است و وطن اگر در مقابل عدالت باشد محور ارزش نیست. نباید وطن دوستی به ملی‌گرایی و ظلم منجر شود. این هم مشکلی است

مشکل دیگر توهین به مقدسات همدیگر است. نوعاً این رفتار در شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های مجازی بیشتر دامن زده می‌شود. این هم یک مشکلی است. البته الحمداً با فتوای مقام معظم رهبری که توهین به مقدسات اهل سنت را تحریم کردند جلوی فتنه‌های بسیاری گرفته شد و ان شاء الله ببینیم که چنین فتوایی هم از اهل سنت صادر شود که البته صادر شده و الان ملاحظه می‌کنید که این وضعیت را نسبت به توهین مقدسات داریم.

نکته اخیر که خودش بحث مفصلی را می‌طلبد و من مجبورم اینجا خلاصه کنم البته شاید طوری خلاصه شود که کاملاً تبیین نشود.

یادآوری کنم رقابت بین کشورها اشکال دینی ندارد به شرطی که رقابت مثبت باشد مثل دو کُشتی گیر که بهم می‌رسند و در فضای کشتی می‌روند و تلاش می‌کنند قوی تر شوند اگر رقابت منجر به قوی تر شدن کشورهای اسلامی شود خوب است اما اگر منجر به زدن همدیگر شود همان ظلمی است که قرآن از آن منع کرده بنابراین هیچ اشکال ندارد که ما با ترکیه و عربستان سعودی و مصر رقیب باشیم و با سوریه رقابت کشوری و دولتی داشته باشیم. رقابت در چی؟ در اینکه خدمت‌رسانی بهتری به مردمان خود داشته باشیم. الگوی بهتری برای اولوالامر و حکومت اسلامی به دست دهیم و ثابت بکنیم که ما بهتر از دیگرانیم چون بهتر به مردم خود خدمت می‌کنیم. این رقابت، رقابت خوبی است چون منجر به خدمت‌رسانی بیشتر و بهتر به مردم می‌شود منجر به دستیابی به الگوهای کارآمدی می‌شود اما رقابتی که منجر به زدن همدیگر شود یا حتی به کمک گرفتن از کفار برای اینکه یک کشور دیگر اسلامی را بزنیم، این رقابت، رقابت ظالمانه‌ای است و این هم تبصره نکته سابق است.

ما یک مشکل دیگری داریم که مربوط به بیرون جهان اسلام است. در بحث اول اشاره کردم به رقیب‌های

داخل جهان اسلام؛ خودمان با خودمان رقیب باشیم. اما اینجا می‌خواهم اشاره کنم به رقیب‌هایی که در بیرون جهان اسلام وجود دارند. رقیب اصلی ما در بیرون جهان اسلام لیبرالیسم فردگرا است که توسط آمریکا و اذناش ترویج می‌شود. به طوری که آزادی را بالاترین ارزش سبک زندگی می‌شمارند و اجازه می‌دهند که با آن آزادی، هم‌جنس‌گرایی ترویج بشود، با آن آزادی، حجاب برداشته بشود، با آن آزادی، بنیان خانواده سنتی برکنده شود و فرد-زندگی توسعه پیدا کند و فرد-حیوان گسترش یابد.

امروز در دنیای غرب خیلی از مطلقه‌ها و مطلقین با حیوانات زندگی می‌کنند. این سبک زندگی غربی است که آزادی، مطلق و بی‌حد و حصر باشد. تجویز قرآن سوزی لازمه‌ی آزادی مطلق است. توهین به دیگران لازمه آزادی مطلق است. اسلام آزادی را به عنوان یک ارزش صد درصد قبول دارد. اما آزادی‌ای که یک شرط داشته باشد و آن این است که در حدود الهی باشد. محدود به اوامر و نواهی الهی باشد. اگر فراتر از حدود الهی، کسی به دنبال آزادی باشد، این آزادی مطلوب نیست. تهدید بیرونی این است که این تفکر لیبرالی فردگرایانه که آزادی را در حد افراطی خودش دنبال می‌کند، می‌گوید اگر مرد یا زنی می‌خواهد هرزگی و یا خود بدن‌نمایی بکند شما چه کار دارید؟ به کسی آزادی نرسانده است. فرهنگ لیبرال اقتضا دارد که خودش را پشت اینستاگرام هم نشان دهد. اسلام با این مخالف است این آزادی نیست این هرزگی است. این می‌گوید که هم‌جنس‌گرایی هم آزادی است. اسلام می‌گوید نه این هرزگی است این خلاف تثبیت خانواده است. لیبرالیسم می‌گوید که سقط جنین مجاز است. جنین تکه‌ای از بدن مادر است و مادر خودش تصمیم می‌گیرد که این تکه باشد یا نباشد. شما چه کار دارید که منع می‌کنید. این‌ها آزادی‌هایی است که اسلام نمی‌پذیرد و امروز این نوع آزادی‌ها دارد در بستر تلفن همراه و شبکه‌های مجازی بین جوانان ما توسعه پیدا می‌کند و ترویج می‌شود و یک مشکلی را برای ما ایجاد کرده است که این مشکل ناشی از آن می‌شود که ایده‌های لیبرالی در درون این رسانه‌ها در حال ترویج است.

سخن من تمام نشد اما وقتم تمام شده است. از همه عزیزانی که در این کنفرانس مشارکت کردند و ما را یاری کردند تشکر می‌کنم و از همه شما تقاضا می‌کنم که این کتابچه را به دقت بخوانید و نقطه نظرات خودتان را برای ما ارسال کنید. من یک بار دیگر از برگزارکنندگان این کنفرانس در استان آذربایجان غربی تشکر می‌کنم و همین‌طور همکاران عزیزم که بیش از دو ماه است در تلاش هستند که این کنفرانس را برگزار کنند و الحمدلله مشاهده می‌فرمایید که به خوبی برگزار شده است. به ویژه همکار عزیزم جناب آقای محسن مسچی که تلاش‌های گسترده‌ای در این زمینه دارند و همین‌طور سایر عزیزان که من از نام بردنشان محذور دارم.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

